

آینه



از «گیت» ها تا «لیکس» ها

رضا دهکسی؛ تاریخ جهان موارد متعددی از رسوایی‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، حقوق‌بشری، اخلاقی و… را به خود دیده است. این رسوایی‌ها به‌ویژه در دو قرن اخیر با به‌وجودآمدن رسانه‌های مختلف و نیز ابزارهای مختلف از عکس و فیلم گرفته تا اینترنت به‌عنوان پدیده عصر حاضر، بیشتر به چشم آمده‌اند. اگر جهان برای آگاهی از آنچه در اردوگاه‌های کار اجباری سیبری در اتحاد از هم فروپاشیده شوروی سابق یا کوره‌های آدم‌سوزی آشتوسیت باید سال‌ها صبر می‌کرد، این روزها حتی بقا و استیلای صاحبان قدرت بر جغرافیای اطلاعات و خود اطلاعات هم نمی‌تواند مانع از افشای حقایقی نشود که به رسوایی دولت‌ها و چهره‌های شاخص جهان می‌پردازد. زمانی رسوایی سیاسی «واتر گیت» باعث شد ریچارد نیکسون از ریاست‌جمهوری آمریکا کناره‌گیری کند و بعد از آن پسوند «گیت» نشانی از رسوایی‌های سیاسی می‌داد. کمالینکه رسوایی اخلاقی بیل کلینتون درباره رابطه‌اش با مونیکا لوینسکی، کارآموز کاخ سفید نیز از سوی برخی رسانه‌ها به «مونیکا‌گیت» مشهور شد. در سال‌های اخیر با ظهور پدیده «ویکی‌لیکس» و افشاشی‌های اطلاعاتی اودارد آسنودن عضو سابق دستگاه اطلاعاتی آمریکا، «لیکس» نیز تبدیل به یکی از پسوندهای مشخصه افشای رسوایی‌ها شده است. حال در آخرین نمونه این رسوایی‌ها، شاید بزرگ‌ترین رسوایی سیاسی-اقتصادی تاریخ تاکنون رقم خورده است؛ رسوایی که در همین ابتدای ظهور و بروز، لقب‌هایی مثل «پاناما گیت»، «پانامالیکس» و «اوراق پاناما» به خود گرفته است.



چرا ایران نگران بحران قره‌باغ است؟

لیلار جیمی خوشبخت، قره‌باغ یا ناگورنو برای چندمین بار به میدان جنگ آذربایجان و ارمنستان تبدیل شده است. گویا قرار نیست مردم این منطقه روی آرامش به خود بسازند. جنگ قره‌باغ که از سال ۱۹۸۸ آغاز شد و در سال ۱۹۹۴ با اعلام آتش‌بس به پایان رسید تا به امروز چندین‌هزار کشته و مجروح بر جای گذارده و زمینه مهاجرت بسیاری از مردم منطقه را نیز فراهم آورده است. در طی سالیان گذشته تلاش‌هایی در جهت برقراری صلح در منطقه به عمل آمده و طرح‌های مختلفی ارائه کرده‌اند که است اما هیچ‌یک به نتیجه نرسیده و وضعیت نه جنگ و نه صلح همچنان بر منطقه حاکم است که هر از گاهی به جنگ و درگیری تبدیل می‌شود. در روزهای گذشته کشمکش و درگیری در این منطقه بار دیگر آغاز شده و طرفین شروع به رجزخوانی و تهدیدهای یکدیگر در نقض آتش‌بس کرده‌اند. به این بهانه در گزارش حاضر مروری خواهیم داشت بر علل و ریشه‌های بحران قره‌باغ و همچنین سیاست خارجی ایران در قبال این مناقشه.
سیاست گسترش به سوی جنوب که از زمان تزارها در روسیه اتخاذ گردید اصلی‌ترین عامل بحران قره‌باغ در مراحل اولیه محسوب می‌گردد. به این منظور روسیه تزاری اقدام به اسکان ارمنه مهاجر از سرزمین‌های ایران، لبنان، آسیای صغیر و آناتولی و سایر نقاط جهان در قفقاز جنوبی کرده و جمعیت ارمنه را در این منطقه متمرکز نمود. ارمنه که خود نیز موافق ایجاد یک دولت مستقل بودند، با مهاجرت به قفقاز جنوبی به اجای سیاسی دولت تزار کمک شایانی نمودند. درگیری ارمنیه و آذری‌ها پس از مهاجرت به این منطقه آغاز گردید. با وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ دولت تزار سرنگون شده و بلشویک‌ها قدرت را در دست گرفتند. میراث تزار برای بلشویک‌ها سرزمینی پهناور با اقوام و نژادهای مختلف بود که در نتیجه لشکرکشی‌های خود به مناطق دوردست به دست آورده بود…

کیم

درگیری قره‌باغ، درس‌ها و دست‌ها

سعدالله تازاعی؛ درگیری روزهای اخیر در منطقه مورد اختلاف بین آذربایجان و ارمنستان توجهات را به سمت قفقاز جنوبی سوق داده است. در این بین «انگیزه» و عامل اول بحران امنیتی «ناگورنو» قره‌باغ، به مهم‌ترین سوالات آن تبدیل گردیده است اما آنچه در این بین فکتنی است:
۱- جمهوری خودمختار قره‌باغ که در درون جمهوری آذربایجان قرار گرفته و در همان حال در سیاست دفاعی و خارجی از «ایروان» تبعیت می‌کند، مهم‌ترین مناقشه امنیتی با کشش بسیار در منطقه قفقاز به حساب می‌آید. از نظر زمانی، شعله‌ورشدن، آتش درگیری در این منطقه، می‌تواند عامل مهمی برای فعال‌شدن گروه‌های تروریستی در منطقه قفقاز باشد ازاین‌رو برخلاف گذشته، هیچ‌کس تردید ندارد که اگر شعله‌ای در این نقطه افروخته شود، سرشدن آن به این آسانی میسر نیست.
۲- قفقاز فی نفسه به دلیل تنوع قومیتی و مذهبی و نیز به دلیل حرمانی که طی حدود ۷۰ سال حاکمیت شوروی بر آن تحمیل گردیده است، یک نقطه قابل اشتعال به حساب می‌آید همین امروز بخش زیادی از نیروهای داعش در سوریه و عراق را اتباع این منطقه به خود اختصاص داده‌اند. اگر این ترویرست‌ها در سوریه و عراق تحت فشار شدید امنیتی قرار بگیرند، «قفقاز جنوبی» بدون تردید یکی از اصلی‌ترین نقاط ملاقات آنان خواهد بود…

۴ در تحلیل چرایی شکست اصولگرایان در تهران، هم شما و هم برخی دیگر از اصولگرایان
دلیلی را مطرح کردید. این تحلیل‌ها به سال جدید هم کشیده شده است. در یک دسته‌بندی از عوامل این ناکامی به مواردی چون سبک زندگی در تهران، کلیشه‌ای‌اشدن شعارهای اقتصادی اصولگرایان، محتوای فهرست که به سمت تندروها میل کرد، دست‌کم‌گرفتن رقیب یا سلبی بودن رأی‌دهی، نقش رهبری اصلاحات در فضای مجازی و مسائلی از این دست اشاره شده است. به اعتقاد شما کدام‌یک از این دلایل مهم‌تر یا درست‌تر است؟ و اصولا می‌توان گفت که اصولگرایان با چالش جدیدی به نام «وضعیت تهران» روبه‌رو شده‌اند؟

درباره اینکه چرا در تهران این اتفاق افتاد و اصولگرایان به آنچه می‌خواستند نرسیدند، همان‌طور که گفتید دلایل مختلفی مطرح شده که هر یک بخشی از پدیده را توضیح می‌دهند. اول اینکه تداول قدرت امری طبیعی است و اگر ما به رفتار مردم نگاه کنیم، شاهد یک حرکت چرخشی هستیم. یعنی مردم مایل هستند به هر دو جریان اصلی فرصت دهند که توانایی‌های خود را نشان دهند. همواره شاهد بوده‌ایم که موج نخبه‌گرای رئیس‌جمهور حاضر که فضای گفتمانی جدیدی شکل داده‌اند باعث شده‌اند که در زمان انتخابات، مجلسی همسو با او شکل بگیرد. در دوره‌های پیشین هم این‌چنین بوده است. در دوره آقای روحانی هم انتظار این می‌رفت اما این اتفاق نیفتاد و به‌جز تهران این موج رخ نداد.

۴ البته برخی شهروها.

اکثریتی به دست نیامده که بتوان مجلس را

مجلسی اصلاح‌طلب نامید.

۴ البته آقای روحانی نکته اصلاح‌طلب است.

بله، این نکته هم درست است. می‌توان این‌گونه گفت که آقای روحانی هم اصلاح‌طلب تلقی نمی‌شود اما در حوزه ذهنی مردم، در جره اصول‌طلبان تعریف شده است. می‌توان دلایل مختلفی ذکر کرد که چرا مجلس فعلی مجلسی با قاطبه اصلاح‌طلبی حامی دولت نشد.

۴ البته علت مهم آن این بود که چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب ردصلاحیت شدند و در حدود ۴۰ حوزه، اصلا نامزدی نداشتند و معرفی نکردند.

این‌طور نبود و کاندیدا داشتند البته کاندیدی خیلی مشهور نداشتند اما درعین‌حال این موضوع بحث ما نیست. موضوع بحث ما تهران است. در تهران اتفاق آنچه که پیش‌بینی می‌شد و باید رخ می‌داد، رخ داد. یعنی انتظار این بود که مجلسی که روی کار می‌آید همسو با دولت جدید باشد.

۴ اما اصولگرایان خودشان گفته‌اند که اصلا انتظار نداشتند در تهران این‌طور شکست بخورند.
دیدگاه‌های متفاوتی بود اما من حدسش را می‌زدم. چنانچه تذکراتش را هم داده و درباره آن نوشته بودم و به‌صراحت گفته‌م که هر حرکت سیاسی در خارج مبادی دهد، به مخاطبانی که گوش‌های خود را تیز کرده‌اند تا تصویری هرچند ساده از جریان‌های سیاسی تصویر کنند، پیام ارسال می‌کنند. روی همین اساس به گمان من رفتار اصولگرایان در تهران، پیامی داد که به نتیجه مطلوب نینجامید. البته یک تشخیص درست بود و آن اینکه در تهران همه فهرستی رأی می‌دهند. اما نکته دیگر این است که چطور فهرست اصلاح‌طلبان اولویت پیدا کرد؟ یک بخش همان چیزی بود که گفتم یعنی همسویی مجلس با دولتی که بر سر کار است. یک دلیل دیگر به نظر من که منتقد این رویکرد شورای ائتلاف اصولگرایان هستم به رفتار خود اصولگرایان بازمی‌گشت. اما اینکه ماهیت رأی در تهران چگونه است، جای بحث خود را دارد. اما چرا این اتفاق افتاد؟ موج گرایش اجتماعی را به سمت گریز از آنچه تندروی یا به عبارت بهتر، تندخویی سیاسی گفته می‌شد، جدی نگرفتند. فکر می‌کردند که روحانی به‌دنبال یک تپی با درصد پائینی از رأی روی کار آمده است و جریان غالبی نیست. بنابراین آمدند و در مسیر نوعی از اتحاد و هم‌گونگی رفتار سیاسی با جریاناتی که از سوی مردم تند خو شناخته شدند هم‌پیمان شدند.

۴ شما در همان زمانی که فهرست اصولگرایان بسته شد هم گفتید که منتقد این فهرست هستید ولی نقد خود را می‌گذارید برای بعد از انتخابات و مشخص‌شدن نتایج.

من عملا بعدها گفتم که معتقدم جریان حزب پایداری، جریانی است که خود را اصولگرا می‌داند و ما هم دلیل ندارد که آنها را از اصولگرایی خارج بدانیم؛ هرچند معتقد هستم که برخی رفتارهایشان با چارچوب‌های اصولگرایی همگون و هم‌خوان نیست. ازجمله تندخویی و رفتارهای پراخشگرانه، ولی نکته این بود که برداشت ما به‌عنوان منتقدان جبهه پایداری و گروه‌های نظیر آنها این بود که هر جریان سیاسی‌ای جدای از فعل و کنش خود یک جنبه آموزشی دارد. سیاسیونی که تندخو هستند فضا را به سمت تندخویی می‌برند؛ هم التهاب‌آفرین هستند و هم هزینه‌های امنیتی به جامعه تحمیل می‌کنند.

۴ چرا پس اصولگرایان شاخصی مانند آقای باهنر با حداد عادل، برداشت شما را ندارند؟ بارها شده وقتی از آنها سؤال شده که چرا به جبهه پایداری میدان می‌دهید یا چرا سهم آنها در فهرست این‌قدر زیاد بسود،
اولا که کلا منکر تندروی جبهه پایداری می‌شوند و دوم اینکه می‌گفتند اصلا مینا براساس سهم‌دهی به یک جریان یا سهم‌مندان به جریان دیگر نبوده، بلکه انتخاب افراد براساس شاخص‌ها صورت گرفته است! اگرچه در آخر صراحتا گفتند که به‌خاطر دغدغه شکست ائتلاف مجبور شده‌اند به برخی جریان‌ها سهم بیشتر بدهند!

گرایش‌های مختلف درون جریان‌های اصولگرا و تحلیل‌های مختلفی وجود دارد. من نمی‌خواهم تحلیل آنها را رد کنم. اهل شجاعت دیگران نیستم. تحلیل

سیاست



با امتیاز دادن به افراد به هر قیمتی، رخ خواهد داد

باچ‌گیران و باچ‌دهندگان

مهسا جزینی

باور ندارد که تهران به اصولگرایان «نه» گفته باشد. معتقد است که حتی مقایسه میزان آرای دوره‌های گذشته هم بیانگر میزان اقبال تهرانی‌ها به هم‌جناحی‌هایش نیست. روی پیام، تکیه دارد و معتقد است که حضور تندروهای پایداری و نزدیکان‌شان در فهرست نهایی اصولگرایان این پیام را به مردم منتقل کرد که آمدن اصولگرایان یعنی آمدن تندروها. معتقد است که اصولگرایان فضای اجتماعی تهران را که به‌دنبال همسویی با دولت بود نگرفتند. امیر محبیان را همواره تحلیلگر منصف جناح راست می‌خواند درحالی‌که به نظر می‌رسد این سال‌ها کمتر گفته‌ها و انتقاداتش میان هم‌جناحی‌هایش خربدار دارد. او از منتقدان سفت‌وسخت تندروهاست که از پیش از انتخابات هم خطر آنها را به هم‌جناحی‌هایش گوشزد کرده بود. اما کو گوش شنوا…

خودم را بیان می‌کنم. من اعتقادی به این نداشتم. برای من خود وحدت هم اصالت ندارد. اتفاقا با وجود اختلاف نظرهایی که با آیت‌الله مصباح دارم، اینجا کاملا با ایشان همراهی و عقیده‌ام که وحدت خودش اصالت ندارد. جهت وحدت اصالت دارد. مهم آن است که وحدت چه کسانی برای چه کاری صورت می‌گیرد. **۴ ولی در ابتدا مدام منکر این سهم‌دهی‌ها در ائتلاف می‌شدند و می‌گفتند که انتخاب‌ها براساس شاخص‌ها یا آنچه شما جهت وحدت می‌نامید، انجام شده است.**
به نظر شما واقعا این‌گونه بود؟
آقای غفوری‌فرد که از قرارنگرفتن در فهرست به‌شدت دلخور بود بعدا اعلام کرد که عدم تفهمیدم این شاخص‌ها چه بود و چیزی هم اعلام نشد؛ یعنی حتی برای آقای غفوری‌فرد هم معلوم نبود که افراد فهرست بر چه مبنایی انتخاب شدند. من بحث افراد را نمی‌کنم. چون اشخاص – الا افراد مهم و جریان‌ساز – در تحلیل برای من اصالت ندارند، افکار اصالت دارند. رفتار جبهه پایداری چه در مجلس چه جاهای دیگر، رفتاری نبود که به عنوان الگو از سوی جریان اصولگرایی مطرح شود و ما جریان‌های بسیار زیادی درون جریان اصولگرا داریم که جریاناتی عقل‌گرا هستند و می‌توانند به عنوان الگو مطرح شوند اما عملا اینها کنار زده شده‌اند.

۴ چرا این اتفاق در اصولگرایی افتاده است؟ چرا اصولگرایی به سوی باچ‌دهی به پایداری‌ها غلغیده است؟

من همان زمان هم مطرح کردم که جریان اصولگرایی نباید به بهانه وحدت، به هر جریانی به هر قیمتی امتیاز دهد. ما باید به اصول و باورها امتیاز دهیم و اگر به افراد امتیاز می‌دهیم بابت تقرب آنها به اصول باشد. اما اگر به افراد آن‌هم بابت رسیدن به پست و مقام امتیاز دهیم؛ نوعی باچ‌دهی تلقی می‌شود و جریان اصولگرا دو گروه تلقی می‌شوند؛ باچ‌گیران و باچ‌دهندگان.

۴ الا این اتفاق افتاده است به نظر شما؟
بله، آن هم اینکه کسانی تهدید می‌کنند اگر ما را کنار بگذارید، فهرست جدا می‌دهیم؛ وحدت را به هم می‌زنیم؛ اینها باچ می‌گیرند اما در مقابل کسانی هستند که آرام‌اند و با عقل جمعی کار می‌کنند اما چون روحیه باچ‌گیری ندارند به باچه تبدیل شده‌اند. شما نگاه کنید جبهه پیروان خط امام و رهبری که از ۱۷ تا ۱۸ گروه تشکیل شده است چند سهم درون همین فهرست تهران داشتند؟

۴ فکر کنم سه تا چهار نفر.

آن را هم نداشتند. وقتی با خانم دکتر دست‌چرندی صحبت می‌کردید، خودش را متناسب به جبهه پیروان خط امام و رهبری نمی‌دانست، به عنوان یک شخصیت شناخته‌شده، خودش را مطرح می‌دانست.

۴ شما تا چه اندازه شخص آقای حداد را به عنوان فردی که جلسات نخست این ائتلاف با همت و حول او شکل گرفته بود، هم سرلیست بود و هم سخنگوی ائتلاف، در برون‌داد فهرست تهران صاحب نقش می‌دانید؟ در طراحی لیست سهم ایشان چقدر بود؟
من برای آقای حدادعادل احترام قائل هستم. ایشان یک شخصیت فرهنگی است که از حوزه فرهنگ به سیاست آمده است. اما رویکردهایی که بیان می‌شود یا به عنوان تصویر از ایشان بیان می‌شود به نظر من خیلی رویکردهای فرهنگی نیست؛ یعنی نقطه‌جوش ایشان باید با جریاناتی باشد که ماهیت فرهنگی‌شان غلبه داشته باشد اما متأسفانه این جریانات ماهیت سیاسی‌زدگی‌شان غلبه دارد. این یکی از انتقاداتی است که من به ایشان دارم ولی درعین‌حال معتقدم که حضور آقای حدادعادل به عنوان یک فرد در سیاست مغتنم است اما به این معنا نیست که ایشان با هرکس دیگری هرچه انجام می‌دهد باید مُهر تأیید بخورد.

۴ شما معتقدید که علت شکست فهرست اصولگرایان در تهران غلبه وجه تندروان آن بود.
چه تضمینی می‌دهید که اگر این برجسب با وجهه را

باشد و ارتباط با جهان و غلبه مدرنیته دلیل رفتار و زندگی باشد پس هرچه به سمت شمال شهر می‌رویم، مردم باید اصلاح‌طلب‌تر شوند که ظاهرا هم این‌گونه به نظر می‌رسد و نمی‌خواهم مخالفت کنم، متنها این به معنی رأی بیشتر نیست.

۴ آقای مصباحی‌مقدم هم اتفاقا بحثی را مطرح کرده بود که طبقات فقیر چون وضع اقتصادی آنها بد بود و ناامید شدند رأی ندادند و ما باختیم.
طبقات پایین جامعه از لحاظ مالی و طبقات متوسط رو به پایین حضورشان در پای صندوق‌های رأی به دلیل علایق مذهبی بیشتر است، البته نه اینکه طبقات بالا علایق مذهبی ندارند. فقط بحث سیاسی نیست و به دلایل تکلیف شرعی هم به پای صندوق رأی می‌روند و این‌گونه نیست که طبقات پایین ما قهر کرده‌اند. همیشه یک نسبیتی هست که معمولا شرکت نمی‌کنند که در نظرسنجی‌ها حدود ۳۰ درصد است؛ این قهر یا صندوق یا موضع اپوزیسیونی نیست.

۴ به نظر شما گفته آقای مصباحی‌مقدم که نیامدن قشر محروم به پای صندوق عامل باخت اصولگرایان بوده، درست است؟

این نظر ایشان است و من ناظر به نظر ایشان حرف نمی‌زنم. من به این دیدگاه اعتقاد ندارم و معتقد هستم که طبقات فقیر جامعه ما و آنهاپسی که صاحب رفاه نیستند اتفاقا بیشترین هزینه‌ها را برای نظام دادند و کمترین منافع را برده‌اند و همیشه بالاترین حامیان نظام هم بوده‌اند. آن هم نه به دلیل اینکه مثلا اصولگرا یا … را دوست دارند. به این دلیل است که روی اعتقادات نظر دست‌انده‌اند؛ از نظام دفاع می‌کنند. البته نمی‌گویم همه آنها، ولی بخش اعظمشان این‌گونه هستند. فکر می‌کنم بخش زیادی از مشکلات تحلیل فضای سیاسی ما این است که سیاست‌مداران و تحلیل‌گران ما به جای اینکه فضای سیاسی را بشناسند، شناسایی خودشان را می‌خواهند به فضای سیاسی تحمیل کنند. این‌گونه نیست که من بگویم همه کسانی که در طبقات پایین هستند از اصولگرایان حمایت می‌کنند، من می‌گویم گرایش‌ها و تعلقاتشان به این طیف نزدیک است، همان‌طور که طبقات مرفه ما هم گرایش و تعلقاتشان در این زمینه به اصلاح‌طلبان نزدیک‌تر شده است.

۴ آقای حداد عادل بالاترین رأی یک اصولگرا را در مجلس فعلی به دست آورده است. درحالی‌که رأی نفرات نخست اصلاح‌طلبان در انتخابات اخیر از او بیشتر شده است.
مشخص است که اگر اصولگرایان دوره‌های قبل بردند به خاطر عدم شرکت جدی اصلاح‌طلبان و مردم حامی آنها بوده است.

من این اعتقاد را ندارم و این باعث خودفریبی اصلاح‌طلبان می‌شود.

۴ پس تحلیل شما از آرای گذشته تهران چیست؟
من می‌گویم وقتی فضای دوقطبی را ایجاد می‌کنید، خود این فضا این ندا را می‌دهد که چه کسی پای صندوق بیاید و چه کسانی نیایند.

۴ پس قبول دارید که بخش زیادی از مردم تهران در دوره‌های گذشته به پای صندوق رأی نیامده‌اند.
بخش زیاد یعنی چه تعداد؟ کلمات شما مبهم است.

۴ میزان آرای آن را نشان می‌دهد.

چند درصد تفاوت بین آرای تهران با دفعات قبل است؟ درصد به من بگویید. در انتخابات پیشین مجلس تهران چند درصد شرکت‌کننده داشت و الان چند درصد؟

۴ آن دوره فکر کنم برخی به ۷۰ و ۸۰ هزار رأی به مجلس رفتند.

رأی افراد را نکویید و درصد را بگویید. مهم این است که پنج‌درصدی که اضافه شده است از کدام قشر و برای چه دغدغه‌ای آمده است و این اهمیت دارد.

۴ بحث کنتراست و تضاد را که مطرح می‌کنید، درواقع تأیید می‌کنید که جریان اصلاح‌طلب یا اصولگرایان و مردمی که به این دو جریان گرایش داشتند، حداکثر تلاش خود را کردند که حامیان خود را به صحنه بیاورند.
درواقع می‌توانیم بگوییم بالاترین رأی آقای حداد در تهران یعنی بیشترین میزان حامیانی که جریان اصولگرا در تهران دارد.

این اشتباه است. شما باید کف را ببینید و نه سقف را. این سقف به این معنی است که اینها پارتیزان‌های حزبی هستند. اگر آقای ایکس از اصولگرایان یک میلیون رأی آورده است و از اصلاح‌طلبان آقای ایگرگ یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفر برای او آمده‌اند و رأی داده‌اند، اگر می‌خواهیم میزان اقبال اجتماعی را در نظر بگیریم، باید کف رأی جریاناتی را که متعلق به یک جریان هستند، بدون حمایت فضای سیاسی از آنها در نظر بگیریم. مثلا آقاییی که در جریان پایداری و داخل فهرست نبوده است، ببینید رأی او چقدر است. بعد یک نفر دیگر که عضو جبهه پایداری بوده و داخل فهرست هم بوده؛ رأی این دو را با هم مقایسه کنید؛ کسی که داخل فهرست نبوده، مظهر رأی تقریبا پارتیزانی آن جریان است.

۴ منظور من دقیقا خود جریان است و اقبال به جریان و نه فقط فرد، بحث این است که اگر فهرستی رأی می‌دهیم، خیلی فرق می‌کند؛ چون خیلی افراد در تهران در فهرست اصلاح‌طلبان اصلا شناخته‌شده نبودند.
به اعتبار فهرست به آنها رأی دادند. بازهم اقبال به جریان نیست، بلکه ترس از جریان رقیب است؛ یعنی یک بخش آن، این است.

۴ این بخش ترس از جریان رقیب به معنای نخواستنی‌بودن اصولگرایان نیست؟ چند روز پیش فکر کنم آقای نقوی‌حسینی گفته بود به ما رأی سلبی داده شد که این به معنای این است که برای اکثریت تهران نخواستنی هستیم.

معنای نه به ما نیست، وقتی ما مباحث را با شخصی می‌کنیم، بحث غلط می‌شود.

آینه دیروز

۹ سال پیش درچنین روزی



- فرمانده پایگاه دریایی ارونند: ۱۵ نظامی انگلیسی توسط یک رزمنده ایرانی دستگیر شدند
- انشعاب در جبهه پیروان خط امام و رهبری تکذیب شد
- وزیر اطلاعات: دستگیری تازه افراد به اتهام برهم‌زدن انسجام کشور
- بر اساس مصوبه مجمع تشخیص مصلحت، تغییر مدیران بر پایه گرایش‌های سیاسی ممنوع شد
- در دستور کار مجلس قرار گرفت: تحقیق و تفحص از هزینه تبلیغاتی نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری
- حدادعادل: وعده مقام‌های پاکستانی برای مقابله با ناامنی در مرزا
- سخنگوی وزارت خارجه: دولت پلر به قوانین بین‌المللی احترام بگذارد
- منتخب‌نیا: برای حفظ فناوری هسته‌ای با نخبگان سلایق مختلف مشورت شود

کیم

- توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد: دخالت سلیقه‌ها در سنجش صلاحیت مدیران ممنوع می‌شود
- دیپلمات ربه‌ده‌شده ایرانی: من از شکنجه‌گاه سیا می‌آیم
- سفیر ایران در لندن: ایران در انتظار حسن‌نیت متقابل انگلیس است
- مذاکره ایران و روسیه درباره نیروگاه بوشهر از سر گرفته می‌شود
- وزیر اطلاعات: چند نفر از برهم‌زنندگان وحدت دستگیر شدند
- سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا: قصد روباوری با ایران را نداریم
- اعلام آمادگی رژیم همیونیستی برای دیدار با بشار اسد

اعتراض

- وزیر اطلاعات: عده‌ای از برهم‌زنندگان انسجام کشور را دستگیر کرده‌ایم
- دولت آگیری سد سیوند را تکذیب کرد
- حمله زمینی و هوایی آمریکا به شبهه‌نظامیان مقتدی صدر
- صفا هرندی: نگران کینه‌ورزی دشمنان به ساحت پیامبر(ص) نیستیم
- انتقاد مراجع از تخریب رسانه‌ای برخی از شخصیت‌ها
- آیت‌الله جوادی‌آملی: اختلافات مالی با موعظه رفع نمی‌شود
- آزادی وکیل دراویش گنابادی با قرار کفالت
- کمک آمریکا به آزادی دارایی‌های کره شمالی

جمهوری اسلامی

- ساتور آمریکایی: بوش با جان سربازان آمریکایی در عراق بازی خطرناکی می‌کند
- بغداد خواستار عذرخواهی رسمی انگلیس از ملت عراق شد
- اعتراف بوش به وجود اختلاف در هیات حاکمه آمریکا
- یورش زمینی و هوایی اسرائیل به «غزه» و «جنین»
- هشدار وزارت خارجه ایران به انگلیس: اقدامات نمایشی نمی‌تواند بر تخلقات انگلیس سرپوش بگذارد
- دیپلمات ایرانی جزئیات ربه‌ودشدن خود در بغداد را تشریح کرد

اطلاعات

- دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام: مجموعه سیاست‌های وحدت ملی و اجتماعی تقدیم رهبر معظم انقلاب شده است
- سخنگوی وزارت خارجه: برنامه ملاقات با هیات آمریکایی در حاشیه اجلاس عراق در دستور کار ایران نیست
- وزیر اطلاعات: با افراد القاعده در ایران برخورد قاطع می‌شود
- جنگنده‌های آمریکایی شهر «دیوانیه» عراق را بمباران کردند
- احمدی‌نژاد: توسعه روابط با کشورها از اصول سیاست خارجی ایران است
- تاکید آیت‌الله‌العظمی فاضل‌لنکرانی بر حل مشکلات اقتصادی
- دیدار نوروزی رئیس‌جمهور با نمایندگان مجلس
- دور سوم مذاکرات ایران و روسیه درباره نیروگاه بوشهر

ایران

- وزارت صنایع و معادن طرح پیشنهادی حمایت از بخش خصوصی در راستای سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی را به هیات دولت تقدیم کرد
- وزیر خارجه عراق: برخی اظهارات آمریکا درباره علت بازداشت دیپلمات‌های ایرانی بسیار عجیب است
- سیداحمد خاتمی: نظامیان و مرزبانان موجب عزت ایران اسلامی هستند
- فدایی، دبیرکل جمعیت ایثارگران: ایجاد یاس و ناامیدی نسبت به دولت خیانت محسوب می‌شود
- حامد کزرای از تماس تلفنی با محمود احمدی‌نژاد از تصمیم او مبنی بر عفو و آزادی ۱۵ ملوان متجاوز انگلیسی تقدیر کرد

ادامه در صفحه ۷